

# دکترین مبنای

علیرضا فرشیچی

ابرسیستم، مانند ابرسیستم‌های نظامی را هدایت کنند بیشتر بر پایه عقل جمعی و درک مشترک صورت می‌پذیرد. حال این پرسش مطرح می‌شود که عقل جمعی و درک مشترک که مبنای طرح ریزی، هدایت و اجرا در فعالیت‌های گروهی است چگونه در سازمان‌های نظامی محقق می‌شود؟

نتایج مطالعات ترکیبی (۲) انجام شده در دهه ۱۹۸۰ در خصوص نحوه ایجاد درک مشترک در نیروهای نظامی اغلب بیان‌گر نقش تعیین‌کننده‌ترین می‌باشد. (۳) جورج دکر از جمله محققان حوزه مطالعات دکترین معتقد است: «دکترین فلسفه، زبان، هدف و نیز وحدت رویه را برای یک سازمان به ارمان می‌آورد. اما اینکه دکترین لزوماً به معنای آنچه که در کتاب‌ها آمده است نیست، بلکه آنچه افراد بدان اعتقاد داشته و بر مبنای آن عمل می‌کنند می‌باشد و اینکه دکترین، گفتمان حاکم بر فضای ادراک نیروهاست، از دیگر یافته‌های مطالعات ترکیبی یاد شده می‌باشد. (۴)

دکترین در اندیشه نظامی شرق و غرب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، اگرچه مطالعه مختصر اسناد

چکیده: نظم و انضباط، هماهنگی و انسجام، هم‌افزایی و اثر بخشی و در مجموع هدایت و نظارت بر عملکرد صحیح نیروهای نظامی در گرو تدبیر زیرساختی خردمندانه است که به عنوان قابلیت بنیادی، زمینه‌ساز صورت‌بندی منطقی و معنابخش رفتار نیروهای نظامی است. **دکترین به مثابه قابلیت مبنای ایجاد درک مشترک کانون توجه مقاله حاضر می‌باشد.**

در این مقاله سعی شده است این قابلیت مبنای در قالب مفهوم دکترین بررسی شده و ابعاد و سطوح آن در قالب نظامی سلسله‌مراتبی بیان گردد. همچنین تلاش شده است تا رابطه تاریخ جنگ و میدان‌های نبرد آینده در دامنه تاثیر دکترین مورد توجه قرار گیرند.

## مقدمه

سازمان‌ها و ماهیت عملیات نظامی بیش از آنکه جنبه فردی داشته باشند، بر مبنای فعالیت گروهی استوار هستند. (۱) این گروه است که با هماهنگی لازم و درک مشترک، اهداف مورد نظر یک سیستم را تامین می‌کند. هدایت گروه و یا مجموعه‌ای از گروه‌ها که بتوانند یک

دکترینی چین و روسیه حاکی از غلبه نگاهی کل‌گرا و مطالعه اسناد مشابه غربی ناظر بر نگاهی جزء‌گر است. جالب اینکه به نظر می‌رسد این تفاوت اساسی در نگرش نسبت به مفهوم دکترین موجب تنزیل جایگاه آن در مکتب‌های اصلی اندیشه نظامی حاکم بر غرب و شرق نشده است.

### تعریف دکترین

دکترین معانی متعددی دارد برای مثال: آموزه‌های حاکم، اصول بنیادی، مجموعه اصولی که می‌توان آنها را آموزش داد، باورهای حاکم و گفتمان، این معانی در برگیرنده‌ی طیف وسیعی از حوزه‌های اندیشه‌ورزی، آموزشی، مذهبی و فلسفی را شامل شده و در عین حال به معنای تعریف دکترین در سازمان‌های نظامی محسوب می‌شوند.

برداشت مفهومی از عبارت "مجموعه اصولی که بتوان آنها را آموزش داد" دلالت بر توافق بر اصولی معین و تدبیر ساز و کار لازم برای نشر آن اصول در جامعه‌ای معین دارد. از این روست که در برخی کشورها دکترین‌ها در ساختار آموزشی سازمان‌های نظامی آنها نهادینه شده‌اند. برای نمونه به مرکز آموزش و دکترین در نیروی زمینی آمریکا می‌توان اشاره کرد. (۵)

**جورج دکرا از جمله محققان حوزه مطالعات دکترین معتقد است: "دکترین فلسفه، زبان، هدف و نیز وحدت رویه را برای یک سازمان به ارمغان می‌آورد." اما اینکه دکترین لزوماً به معنای آنچه که در کتاب‌ها آمده است نیست، بلکه آنچه افراد بدان اعتقاد داشته و بر مبنای آن عمل می‌کنند می‌باشد و اینکه دکترین، گفتمان حاکم بر فضای ادراک نیروهاست، از دیگر یافته‌های مطالعات ترکیبی یاد شده می‌باشد.**

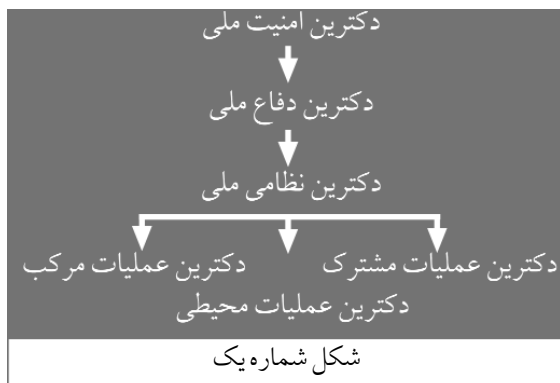
نگاه گفتمانی به مقوله دکترین از تعامل چند وجهی کنش‌گران یک جامعه معین با اعضای درون جامعه و اعضای جوامع بیرونی که با محوریت درک و زبان مشترک صورت می‌پذیرد، حکایت دارد. برای مثال دکترین علاوه بر تعریف تعاملات درون محیطی نظامی، چگونگی تعامل نظامیان و سیاسیون را در سطوح مختلف معین کند.

آنچه که در میان تعاریف ارائه شده از دکترین - با قدمت نسبی نزدیک به سه دهه - بیشتر از سایر تعاریف در اسناد دکترینی سازمان‌های نظامی به چشم می‌خورد، تعریفی است که در فرهنگ واژگان و اصطلاحات نظامی آمده است: اصول بنیادینی که نیروها یا عناصر نظامی فعالیت‌های خود را بر مبنای آن برای تأمین اهداف ملی هدایت می‌کنند. (۶)

جهت دادن به فعالیت‌های سازمان‌های نظامی و ایجاد هم‌سویی نسبت به اهداف تعیین شده برای نیروهای نظامی از طریق آشنایی افراد با اصول پذیرفته شده سازمان مسیر است. این اصول و مفاهیم مرتبط با آن باید به شکل شایسته‌ای در آموزش‌های سازمانی و گردش اسناد دکترینی لحاظ شوند. البته آنچه از هم‌سویی در محیط داخلی نیروهای نظامی حاصل می‌شود با توجه به ماهیت و فلسفه دکترین باید در راستای سیاست‌های عالی‌تر در محیط‌های بیرونی قرار داشته باشد تا ضمن هم‌افزایی بین محیطی صورت پذیرفته، اهداف کلان ملی نیز تأمین شوند.

### عامل هماهنگی

نظم و انضباط از مسائل مورد توجه سازمان‌ها و به ویژه سازمان‌های نظامی است. سازمان‌هایی که بر مبنای استراتژی‌های از پیش تعیین شده، برنامه‌ریزی کرده و در صدد تأمین اهداف خود در محیط‌های پیچیده منازعه و درگیری هستند، برای هماهنگی میان نیروها، یگان‌ها و عناصر ارزش‌زیادی قائل هستند. نظم و انضباط در اسناد دکترینی با هدف ایجاد هماهنگی لازم به دو صورت پیش‌بینی می‌شود:



بنابراین تأکید بر وجه دوم انضباط سازمانی، یعنی انضباط مفاهیم مشترک نیرو در دوران تصمیم‌گیری‌های با فرصت در قالب اسناد دکترینی به مثابه تأکید بر ایجاد قابلیت اثربخشی در مقاطع زمانی مربوط به تصمیم‌گیری‌های کم‌فرصت می‌باشد. البته شایان ذکر است که دکترین‌ها اگر چه الزام‌آور هستند و رعایت آنها ضروری است، اما در مقام عمل نیازمند به کارگیری قوه تشخیص می‌باشند. این اصلی است که در اغلب اسناد مربوط به دکترین به آن اشاره شده است. برای مثال، کارشناسان نظامی اتحاد جماهیر شوروی سابق رمز موفقیت‌های رزمی آمریکایی‌ها را در دوران جنگ سرد انعطاف‌پذیری آنها در عمل کردن به دکترین ارزیابی می‌کردند. (۷)

فراهم ساختن فضای اشتراک نظر و نظم مفهومی در سازمان‌های نظامی که دارای محیط‌های تخصصی گوناگونی هستند با سطح بندی محیطی و تقسیمات به هم پیوسته امکان‌پذیر است. به عبارت دیگر یک سازمان نظامی بر اساس مجموعه‌ای از دکترین‌های به هم پیوسته که زیر مجموعه دکترین کلان آن سازمان می‌باشند عمل می‌کنند. دکترین کلان سازمان نظامی نیز دارای پیوستگی منطقی با دکترین‌های مرتبط خارج از سازمان می‌باشد.

### سطوح و ویژگی‌ها

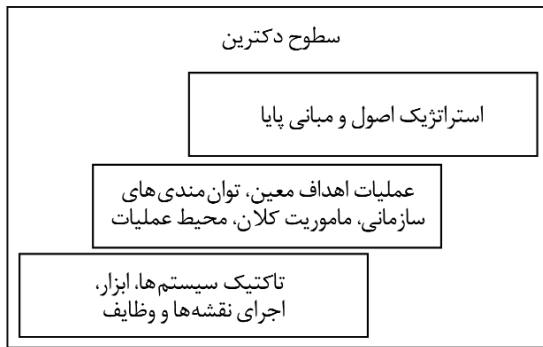
همان‌طور که گفته شد دکترین‌های محیطی یک سازمان تخصصی با دکترین کلان آن سازمان و همچنین دکترین‌های مرتبط خارج از آن سازمان، دارای زمینه‌های

### ۱- انضباط ظاهری نیرو

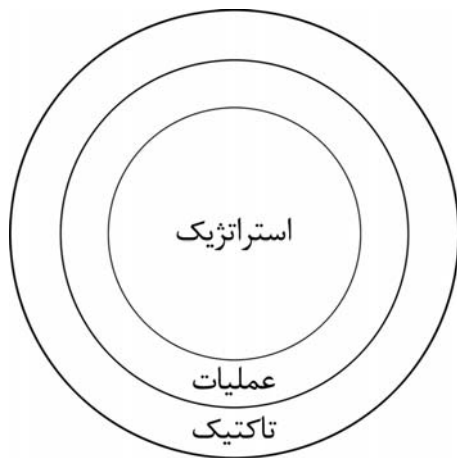
### ۲- انضباط مفاهیم مشترک نیرو

در آیین‌نامه‌ها و دکترین‌های سازمانی و مقررات مربوط به انضباط ظاهری و رفتار نیروها به روشنی بیان می‌شوند برای مثال: نوع لباس در فصول مختلف، چگونگی برگزاری صبحگاه مشترک و موضوعاتی از این قبیل. اما تبیین این انضباط و نظم در بخش مفاهیم مشترک نیروها در محیط‌های تخصصی به سادگی روند تدوین و اعمال مقررات در بخش انضباط ظاهری نیرو نیست. به عبارت دیگر چنانچه حول ارزش یک مفهوم به اتفاق نظر رسیده و بخواهیم آن را در سازمانی نهادینه کنیم باید از سازوکارهای متفاوتی استفاده کنیم. برای مثال تکرار اسنادی مفهوم گردش مکرر "از جمله روش‌های مرسوم است که در سازمان‌های نظامی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ به این ترتیب که در اغلب آیین‌نامه‌ها و اسنادی که جنبه‌های دکترینی دارند مکرراً به اهداف، مأموریت‌ها، تعاریف پایه و چگونگی واکنش در برابر رویدادها و حوادث می‌پردازند.

واژه "جنگ" یا "عملیات" را در نظر بگیرید. چقدر دایره تفسیر این واژه‌هایی که به ظاهر معانی روشنی دارند برای افرادی با پیشینه‌های متفاوت، گسترده است؟ چگونه می‌توان به اشتراک نظری هر چند نسبی در زمانی که فرصت هست - یعنی زمان قبل و بعد از جنگ - برای زمانی که فرصت دست‌یابی به اشتراک نظر مفهومی نیست - یعنی زمان بحران و جنگ - نائل شد. اگر در زمان تصمیم‌گیری‌های با فرصت زمینه ایجاد اشتراک نظر مفهومی را با تدبیر انضباط مفاهیم مشترک نیرو، فراهم نکنیم در بیان مجدد مأموریت‌ها توسط فرماندهان سازمان‌ها و یگان‌های نظامی شاهد تفاسیر متفاوت و بعضاً ناهماهنگ با اصول بنیادی سازمان خواهیم بود و بدین ترتیب، وحدت رویه و وحدت فرماندهی حاصل نخواهد شد.



شکل شماره سه

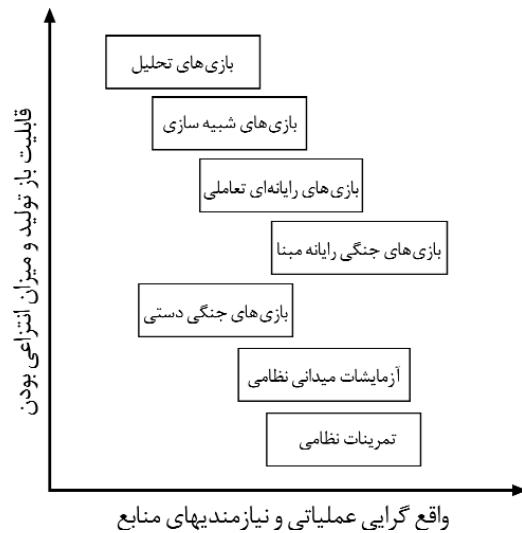


شکل شماره چهار

چندانی نیست وارد ادبیات نظامی شده است، جمع بندی مباحث مطرح در دکترین و متأثر از فلسفه رویکرد منضبط دکترینی در هدایت و فعالیت می باشد و بر موضوعاتی مانند درک سیستمی، گفت و گوی موثر فرمانده و نیرو، درک مشترک و صرفه جویی در زمان در قالب کلان سیستم فرماندهی و کنترل تاکید دارد.(۹)

زبان مدیریت نبرد، منبعث از تقسیمات سطوح دکترینی، روند مفاهمه بین اجزای سیستم نظامی را تسهیل نموده و میزان سوء برداشت در تبادل پیام میان عناصر سازمان را کاهش می دهد. این زبان، به عنوان چارچوب منطقی گفت و گوی نیروها در عرض و طول سازمان عمل می کند. در این میان، دکترین به لحاظ محتوایی، دانش زبانی - اعم از شفاهی یا کتبی - و از نظر شکلی وسیله ترویج این زبان به حساب می آید.(۱۰)

هم پوشانی کل به جزء می باشند. بدین معنی که دکترین ها در نظام سلسله مراتبی از عالی ترین سطوح تا تخصصی ترین سطح فعالیت ها را در بر گرفته، همگی در راستای تأمین اهداف کلان ملی تدوین و منتشر می گردند. بدین ترتیب بازتاب اهداف، نگرش ها، منابع و علائق مندرج در دکترین امنیت ملی در تخصصی ترین سطوح فعالیت های سازمان های نظامی یعنی عملیات های مشترک، مرکب و محیطی به روشنی دیده می شوند. جاری شدن این ساز و کار دکترینی موجب می شود تا از یک طرف تمامی اجزای سیستم با دریافتی مناسب نسبت به اهداف



شکل شماره دو

تعیین شده، فعالیت های خود را تنظیم کنند و به هدایت روند برنامه ای خود بپردازند و از طرف دیگر شاخص های لازم برای توسعه استانداردهای سازمانی را کسب نمایند. در اینجا به نمونه ای از بازتاب اهداف عالی در یک محیط تخصصی می پردازیم، نمونه ای که در آن فلسفه دکترینی در ساختار حرفه ای سازمان نهادینه شده و به نوعی بیان گر تبلور و تحقق اندیشه و نگرش در میدان رزم یا به عبارت دیگر میدان عمل است.

زبان مدیریت نبرد از جمله مفاهیم مورد توجه فرماندهان نیروهای نظامی است.(۸) این عبارت که مدت

## ویژگی های یک دکترین مؤثر:

۱- بیان شفاف، موجز و ساده داشته باشد.

۲- انتظارات از سازمان، مجموعه های

سازمانی و افراد را به روشنی بیان کند.

۳- رابطه میان تحقیق، نظریه، تاریخ، آزمایش

و عمل را مورد توجه قرار دهد.

۴- امکان اجرا داشته باشد.

۵- پویا بوده و از انعطاف پذیری لازم برخوردار

باشد.

امروز سیستم ها به شکل فزاینده ای به سمت هوش مندی و دیجیتالی شدن حرکت می کنند. زبان مدیریت نبرد نه تنها در زمینه ارتباطات انسانی موثرتر، بلکه در زمینه امکان برقراری ارتباطات ماشینی بر مبنای مفاهیم سیستمی نیز از نقش حائز اهمیت برخوردار است. در تعاملات مورد توجه در سیستم های ماشینی امروزی حتی تمرکز کمتری بر تعاملات انسانی شده و بیشتر بر داده های میان سیستمی تأکید می شود که به شکل سلسله مراتبی در سازمان های نظامی جریان می یابند. این روند، یعنی تبلور پیام های سطوح عالی دکترینی در عملیات - همچنان که در مورد زبان مدیریت نبرد به اختصار عنوان شد - نیازمندی کردن مراحل تحلیل تا تمرین است. به سخن دیگر اعتبار مفاهیم دکترینی حتی پس از توافق نظرهای اولیه، در مرحله پیش از ترویج باید از طریق اجرای آزمایش های متوالی تأیید و سپس در مدار ترویجی قرار گیرند. برای مثال به شکل شماره دو توجه کنید. (۱۱)

غیر از نظام سلسله مراتبی، سطوح معمولاً در سه سطح تعریف می شوند: سطح استراتژیک، عملیات و تاکتیک. آموزه های سطح استراتژیک اغلب از پایایی و ثبات بیش تری نسبت به اصول و روش های سطح تاکتیک برخوردارند. به بیان دیگر هر چقدر که به هسته مرکزی آموزه های دکترین نزدیک تر می شویم اصول، اهداف و

نگرش ها پایاتر می شوند. به شکل های شماره سه و چهار نگاه کنید.

حال که با اهمیت نقش، تعاریف و سطوح دکترین آشنا شدی به بیان برخی از ویژگی های یک دکترین مؤثر در سازمان های نظامی می پردازیم، ویژگی هایی که با توجه به آنها در تمام مراحل تدوین تا اجرا و سپس ارزیابی دکترین ضروری می باشند.

ویژگی های یک دکترین مؤثر:

۱- بیان شفاف، موجز و ساده داشته باشد.

۲- انتظارات از سازمان، مجموعه های سازمانی و افراد

را به روشنی بیان کند.

۳- رابطه میان تحقیق، نظریه، تاریخ، آزمایش و عمل را مورد توجه قرار دهد.

۴- امکان اجرا داشته باشد.

۵- پویا بوده و از انعطاف پذیری لازم برخوردار باشد.

به عبارت دیگر دکترین کارآمد باید علاوه بر ذکر اصول پایا، نسبت به پویایی روش ها توجه داشته و انعطاف پذیری در تفکر و عمل را با تأکید بر به کار بردن خلاق مهارت ها، منابع انسانی و تجهیزات فراهم کند. چنین دکترینی باید بر اساس عدم قطعیت و ابهام ذاتی، وابسته به پدیده های مربوط به آینده باشد و نه بر تجویز راه حل های کلیشه ای برای حل مسائل تأکید نداشته باشد. پس از تدوین نیز برای حفظ مفاهیم مفید و حذف مفاهیمی که توسط دشمنان و رقبا بی فایده و بی تأثیر شده اند، دائماً در تمامی سطوح مورد بازنگری قرار گیرد. در نهایت اینکه دکترین کارآمد باید قابلیت ها و مزیت های خودی را مورد توجه قرار داده و بر روی آنها سرمایه گذاری کند.

پلی میان تاریخ و آینده

ژانوس (۱۲) از خدایان معروف رم به شمار می رود. او سوار بر کشتی به ایتالیا رسید، در لاتیوم جای گرفت و در آنجا شهری بنا کرد که ژانیکون نام گرفت. ژانوس در لاتیوم فرمان روایی می کرد و هنگامی که ساتورن از آلمان رانده

شد، او را در دربار خود پذیرفت. ساتورن برای قدردانی از او دانش دو گانه‌ای به او هدیه کرد، که همان آگاهی از گذشته و حال است. رومی ها ژانوس را بر اساس این افسانه با دو چهره نشان می‌دادند که هر یک به سوی مخالف دیگری می‌نگرد. هنگامی که جنگ اعلان می‌شد رومی‌ها درهای پرستش گاه او را با تشریفات می‌گشودند تا نشان دهند که ژانوس راهی جنگ است.<sup>(۱۳)</sup>

در اندیشه نظامی غرب، ژانوس نمادی دکترینی به حساب می‌آید، چرا که گذشته و حال را توأمان می‌دید. درس‌های گرفته شده از سوابق تاریخی جنگ‌ها در زمره معیارهای اصلی تدوین دکترین قرار دارد و همواره به عنوان ملاک ارزیابی عملکردها و پیش‌بینی روند تکاملی جنگ محسوب می‌شود. خبرگان نظامی هر ملتی برای بازنگری و بازاندیشی مفاهیم جنگ و درگیری از سابقه عملکرد واقعی خود در محیط تاریخی جنگ‌های گذشته استفاده می‌کنند. در این میان دکترین با تامل بر سابقه چگونه جنگیدن و جنگاوری یک ملت و از سوی دیگر، تدبیر بهترین روش‌های پیش‌بینی چگونگی رزم در صحنه‌های جنگ آینده، ترجمان نگرشی تلفیقی است که به مثابه پلی میان گذشته و حال، واقعیات گذشته را با برآوردهای مربوط به

آینده گره می‌زند. در این چالش، روح حاکم بر دکترین برای مواجهه با عدم قطعیت، ابهام پیچیدگی و آشوب صحنه‌های جنگ آینده بر انعطاف‌پذیری، خلاقیت و ابتکار عمل تأکید دارد.

پیتر هاردینگ معتقد است: "به کارگیری هوش مندانانه تجربیات - هنگامی که با دوراندیشی همراه شود - می‌تواند در یافتن بهترین راه حل برای رویارویی با چالش‌های جدید، ارزش مند باشد. اینجاست که دکترین می‌تواند با فرا گرفتن درس‌های مربوط به تجربیات گذشته به ما امکان دهد تا با چالش‌های امروز و فردا با اطمینان و اعتماد بیش‌تری مواجه شویم."<sup>(۱۴)</sup>

### نتیجه‌گیری

حال چنانچه قابلیت اصلی نظامی را در رویکردی انسان‌محور، دکترین، آموزش، تجهیزات و فناوری در نظر بگیریم، همچنان شاهد تاثیر این مفهوم در سایر مفاهیم هم‌عرض خود خواهیم بود. به عبارت دیگر می‌توان دکترین را قابلیت مبنای نظامی به حساب آورد؛ قابلیتی که بستر نگرش، تعیین اهداف و ماموریت طرح‌ریزی و عملیات نیروهای نظامی در مقاطع صلح، بحران و جنگ می‌باشد. شرط لازم تدبیر این قابلیت مبنای بیان اصول است. در

آمریکا، فلیپین	انگلستان، استرالیا، نیوزلند	شوروی سابق	فرانسه	جمهوری خلق چین
هدف	انتخاب و حفظ هدف			انتخاب و حفظ هدف
آفند	عملیات آفندی			عملیات آفندی
تمرکز قوا	تمرکز نیرو	تجمع و پیوستگی نیروها	تمرکز تلاش‌ها	تمرکز قوا
صرفه جویی در قوا	صرفه جویی	صرفه جویی، بستگی نیرو		
مانور	انعطاف‌پذیری	ابتکار عمل		ابتکار عمل و انعطاف‌پذیری
وحدت فرماندهی	همکاری			هماهنگی
تأمین	تأمین			تأمین
غافل‌گیری	غافل‌گیری	غافل‌گیری	غافل‌گیری	غافل‌گیری
سادگی				
	حفظ روحیه تداوم [عملیاتی]	تحرك و شتاب هم‌زمان حمله در تمام سطوح حفظ رزم همکاری متقابل، موثر و هماهنگی	آزادی عمل	روحیه تحرك بسیج سیاسی آزادی عمل

این میان به ویژه در میان سازمان‌های نظامی شرح اصول جنگ از اهمیت فراوانی برخوردار است. این اصول اگر چه به اشکال مختلفی در مکاتب نظامی شرق و غرب بیان شده‌اند - به شکل شماره ۵ نگاه کنید - اما به دلیل قرار گرفتن در هسته مرکز و استراتژیک دکترین به نسبت از پایایی بالایی برخوردار می‌باشند. (۱۵)

### اصول جنگ

شرط دیگری که در تدبیر دکترین ضروری می‌نماید، تعیین نگرش حاکم بر دکترین است؛ بدین معنا که آیا دکترین باید بر مبنای نگرش عامل تدوین شود یا نگرش غیر عامل؟ دکترین باید تهاجمی باشد یا تدافعی؟ وضعیت بسیاری از مفاهیم مرتبط دیگر در سایه تعیین این نگرش‌ها رقم خواهد خورد. (۱۶)

عدم قطعیت، پیچیدگی‌های روزافزون و آشوب فزاینده‌ای که بر صحنه جنگ‌های امروزی سایه افکنده است، ایجاب می‌کند تا با ترویج دکترین در سطوح مختلف، زبان مدیریت نبردی را تعریف نماییم که بتواند به مثابه قابلیت مبنایی تسهیل کننده فعالیت‌های نیرویی هنگام مواجهه با شرایط پیش‌بینی نشده باشند. کارل فون کلاوزویتس معتقد بود: "ابهام و عدم قطعیت عنصر گریز ناپذیر جنگ است." (۱۷) سیر رویدادها در افغانستان و در حقیقت در سایر جنگ‌ها و درگیری‌ها نشان می‌دهد این عدم قطعیت را از عرصه جنگ نمی‌توان حذف کرد. عدم قطعیت از جنبه‌های پایدار جنگ است که از عوامل زیر ناشی می‌شود: (۱۸)

۱- فقدان اطلاعات در خصوص نیت و مقاصد دشمن.

۲- زمان بندی، موقعیت و یا حتی وجود طرحی برای

حمله.

۳- کارایی و اثربخشی یا حتی وجود تجهیزاتی جدید.

۴- به وجود آوردن شکل جدیدی از جنگ.

آنکر و بارک - از پژوهش‌گران حوزه مطالعات دکترین

- معتقدند که دکترین می‌تواند به طور نسبی نقش کاهنده

توان رزم و عدم قطعیت را تحدید نماید. البته نقش سایر عوامل تأثیرگذار مانند عملکرد عالی فرماندهی، کنترل و اطلاعات نیز در این میان نباید نادیده انگاشته شود. ۱۹

دکترین باید نیروهای مسلح را به مجموعه‌ای از اصول و نگرش‌ها برای مقابله سریع و موثر با عدم قطعیت و ابهام مجهز نماید (۲۰) و به مثابه قابلیت مبنایی - عامل افزایش دهنده توان رزم نیروهای مسلح باشد.

### پی‌نوشت‌ها:

۱- Doctrine Cordon R.Sullivan, brassy, s publication, ۱۹۹۶.

۲- Integration research

۳- Doctrine Cordon R.Sullivan, brassy, s publication, ۱۹۹۶.

۴- Ibid, p ۲۹۶.

۵- Army training and Doctrine center.

۶- Dictionary of Military Terms, jcs, ۱۹۸۴, ۲۰۰۶ Re, D, ۲۴.

۷- Brassey Encyclopedia of forces and warfare, ۱۹۹۶, pp ۲۹۵-۲۹۶.

Martine Kleiner, Michael R, Hieb, Richard Brown Rpub, ۲۰۰۶, p ۲.

۸- Battle Management language,

۹- Ibid, p ۴.

۱۰- Ibid, p ۵.

۱۱- راهنمای تدوین دکترین، نوئل پاتاچو، ترجمه داود علمای، انتشارات دوره عالی جنگ، ۱۳۸۴، ص. ۶۶.

۱۲- Janus

۱۳- فرهنگ اساطیر یونان و رم، ژوئل اسمیت، ترجمه شهلا برادران خسروشاهی، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۳، صص ۲۳۷-۸، با اندکی تلخیص.

۱۴- Doctrine past future, Peter harding, ۲۰۰۴, ruc pub, p ۱۸.

The Hear of command, the tool of Doctrine, Army, August, pp ۲۶-۴۰.

۱۵- Concepts of operation:

Doctrine, J.P.MC, Publication, ۲۰۰۰, An Introdction.

۱۶- Conter Intelligence

۱۷- War is the Realm of Uncertainty, Clausewit

, on war, book two, chapter ۶.z

۱۸- دکترین نبرد نامتقارن، کلینتون آنکر و مایکل بارک، ترجمه علیرضا فرشچی، انتشارات دوره عالی جنگ سپاه، ۱۳۸۴، صص ۲۸-۲۹.

۱۹- همان، ص. ۲۸.

۲۰- همان، ص. ۲۱.

مقاله